

### متن پرسش

سلام و درود خدمت استاد محترم: ضمن تشکر بابت پاسخهای قبلی شما، در مورد قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» می‌خواهم بدانم که این پارادوکسی بوجود آمده چگونه حل خواهد شد: اگر از ذات باری تعالی عقل اول که یک موجود واحد و مجرّد می‌باشد صادر شده است چطور بر آن موجود واحد قاعده مذکور اطلاق نمی‌شود و او قادر به صدور و مدیریت کثرات می‌شود؟ کدام یکی از دو راه ذیل می‌تواند راه گشای باشد؟ ۱) وقتی عقل اول بوجود می‌آید جنبه‌های وجوب و امکان گرفته‌حای ترکیب می‌شود و از این لحاظ دیگر واحد نیست که نتواند کثرت صادر نماید؟ ۲) عقل اول خود واحد است و جمیع مخلوقات که ازش نشئت گرفته‌باشند همه شون واحد اند از لحاظ وجودی پس قاعده مذکور نقض نشده است؟ متشکرم

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: جناب خواجه نصیرالدین طوسی نکات خوبی در این مورد فرموده‌اند که در جزوات «تاریخ فلسفه و کلام اسلامی» روی سایت می‌توانید دنبال کنید. از آن جهت که می‌فرمایند عقل اول به عنوان صادره‌ی اول، دارای دو وجه است، یکی وجه امکانی آن که موجب صدور نفس اول می‌شود و وجه عقلانی آن که عقل دوم را صادر می‌کند. بیشتر مطلب را در آن جزوه دنبال بفرمایید. موفق باشید